

دانی مشفق تو آورده است و اگر مراد حقیقت کار خیری بودی
 سر تو از تن جدا شده دست بازی بود کان و پامیل ستورانی
 بودی سیوم که زن از طلاهی نظر با جانب استماع کجایا
 مردان و صحبت با زنان که باین جنصال موسوم باشند
 کنند حضور صاحب زنان که بفساد احوال و افعال متمم اندازند
 نقل کرده اند که زنا از خواندن قصه یوسف دشمنان آن مرغ
 کند سیاه که مودی با تحریف ایشان از قانون عفت شود و آنچه
 زنا از در حق شوهران رعایت باید کرد پنج خلعت است اول طهارت
 عفت دوم اظهار کفایت سیوم شوهر را مریب داشتن
 و نظر احترام در رو دیدن چهارم برودن و از نشوز احترام
 کردن پنجم مجامعت در عسرت کردن و ترک عتاب و حضرت
 رسالت بنا به صفا فرموده که اگر کسی را سجن مخلوق روا بودی
 من زنا از بسجده شوهران امر میگردم و حکما گفته اند زن نیک
 شبیه است بهادران در محبت و شفقت و کمینرکان در فنانت
 و خدمت و بدوستان در الفت و صداقت و زن بد شبیه است

بجایان

بجایان در فرمان نابردن مسطوت و بد شمنان در استحقاق
 شوهر و خدمت و بد زودان در طمع مال او بکلیرت خیانت و چون
 بزنی ناشایسته مبتلا کرد هیچ علاج چون مفارقت نیت مادم
 که مودی بفسادی نشود مثل ضعیفان اطفال و غیران از مفاسد که
 میسر نشود و غیر از مدارات و موسسات بمال و غیره چاره نباشد
 و بعد ازین همه بهترین تدبیر با آنست که او را بکسی بسیار که منع
 او از مفاسد تواند کرد و اختیار سفری در کند و مدت مدید
 در آن بیاید باشد که مفرج الکره فرجی که امت فرماید و خیری
 ملایم از جانب او بیاید و حکما و عرب گفته اند از پنج طایفه از احترام
 باید کرد حشاد و منانه و انانیت و کینه القضا و خضراء الدمن اما حشاد
 زینت که فرزندان او را از شوهری دیگر باشند و بال این شوهر بود
 برایشان مهربانی کند و منانه زنی تمول باشد که بال بر شوهرت
 نند و انانیت زنی باشد که پیشتر شوهری دیگر داشته باشد که
 بزعم او بهتر ازین شوهر باشد و پیوسته از شوهر حال شکایت
 و ناکند و کینه القضا زنی باشد که با او عصبیت ستور نباشد

عفت